

بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن

(نمونه: جوانان شهر یاسوج)*

علی حسن توفیقیان فر^۱

سید احمد حسینی^۲

چکیده:

در این پژوهش سعی شده است میزان بیگانگی اجتماعی و همچنین عوامل اجتماعی مؤثر بر بیگانگی اجتماعی جوانان، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. جامعه آماری این تحقیق شامل کل جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله‌ی شهر یاسوج است و تعداد ۳۶۰ نفر از جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله‌ی این شهر براساس نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم و با لحاظ کردن جنسیت، انتخاب و با استفاده از ابزار پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفتند. روش این پژوهش از لحاظ نوع، پیمایشی و از لحاظ هدف، کاربردی بوده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی، آمار استنباطی (همبستگی پیرسون، آزمون t مستقل، آزمون تحلیل واریانس) و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین متغیرهای مستقل (اعتماد اجتماعی، گرایش‌های مذهبی جمعی، میزان هم‌نواپی اجتماعی و میزان رضایت از زندگی) و متغیر وابسته یعنی بیگانگی اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد و قویترین رابطه (همبستگی)، مربوط به متغیر اعتماد اجتماعی بوده است.

کلید واژه: از خود بیگانگی، بیگانگی اجتماعی، جوان، عوامل اجتماعی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۱۴

۱- کارشناس ارشد پژوهشگری اجتماعی، مدرس دانشگاه پیام نور

۲- استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

۱- مقدمه

مهمترین سرمایه‌ی هر جامعه، نیروی انسانی آن جامعه است و در بین نیروهای انسانی، نیروهای جوان یکی از قشرهای بسیار مهم تلقی می‌شود که می‌توانند مسیرهای پژوهش، ارتقا و پیشرفت یک کشور را به سرعت طی کنند و در صورتی که زمینه‌های پویایی و شادابی این قشر مهم جامعه فراهم نشود، می‌توانند فلاکت و هلاکت یک ملت یا جامعه را رقم بزنند. پس اگر زمینه‌ها و بسترهای لازم برای پویایی، شادابی و خلاقیت این قشر مهم نادیده گرفته شده، پیوندهای لازم بین این قشر و اجتماع برقرار نشود، به احتمال زیاد آنها را در برابر یک بیماری و مسأله مهم اجتماعی بنام بیگانگی اجتماعی آسیب‌پذیر می‌شوند. به خاطر آنکه تخصص و فردگرایی خصلت ذاتی جوامع در حال توسعه‌ی امروزی است و احتمال بروز مسأله‌ی بیگانگی اجتماعی در آن به نسبت از جوامع سنتی بیشتر است و نیز به خاطر آنکه قشر جوان مهم‌ترین قشر جامعه محسوب می‌شوند، پرداختن به مسأله بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن حیاتی به نظر می‌رسد که در این پژوهش سعی شده به این موضوع پرداخته شود و راهکارهای لازم برای کاهش این چالش ارایه گردد.

۲- طرح مسأله

دوران مدرنیته و جامعه‌ی سرمایه‌داری همچنان که به جلو پیش می‌رود چالش‌های اساسی را برای افراد جامعه به وجود می‌آورد. چالش‌هایی که ممکن است فرد را از جامعه دور کند و در نهایت نوعی انزوا و تنهایی را برای فرد پدید آورد. از جمله چالش‌های اساسی مدرنیته، یأس اجتماعی یا حالت بی‌قدرتی در برابر ساختارهای جامعه است. یأس اجتماعی (بی‌قدرتی) در واقع اولین مرحله‌ی بیگانگی اجتماعی است و آن مرحله‌ای است که فرد خود را در برابر ساختارهای سخت جامعه می‌بیند و این احساس به او دست می‌دهد که توانایی رفتار در درون این ساختارها را ندارد و قادر به تغییر آنها نیست. فرد در این مرحله است که از جامعه و از نظام مسلط بر آن مأیوس می‌شود و قدم به قدم به انتهای فرایند بیگانگی اجتماعی نزدیک می‌شود. چالش و مسأله‌ی بیگانگی از خود و بیگانگی از اجتماع در افراد تا آن اندازه دارای اهمیت است که بسیاری از ناهنجاریها و کجرویهای اجتماعی از جمله خودکشی، اعتیاد به مواد مخدر و... با از خودبیگانگی و بیگانگی اجتماعی رابطه دارند (ستوده، ۱۳۸۹: ۷۹). هنگامی که ارتباط "من اجتماعی" فرد با محیط اجتماعی اش ضعیف می‌شود فرد نابهنجار می‌گردد. بیگانگی زمانی پدید می‌آید که فرد برای رسیدن به اهداف فرهنگی جامعه، دست به تلاش می‌زند و راهها و شیوه‌هایی را برای رسیدن به اهداف خود بر می‌گزیند اما جامعه وسایل رسیدن به آن هدفها

را در اختیارش قرار نمی‌دهد.

طبق آنچه ذکر شد و با توجه به اینکه بخش عظیمی از جمعیت شهر یاسوج را گروه جوانان تشکیل می‌دهند و از آنجا که احساس بیگانگی اجتماعی در افراد (جوانان) می‌تواند پیامدهای مختلف فردی، اجتماعی، روانی و... داشته باشد، بنابراین لازم است میزان و ابعاد بیگانگی اجتماعی و همچنین عوامل اجتماعی مرتبط با آن به عنوان یک مسأله و معضل اجتماعی- فرهنگی، بررسی و پیگیری شود. هدف اصلی این تحقیق تعیین میزان بیگانگی اجتماعی جوانان و شناسایی عوامل مرتبط با آن است. در راستای این هدف اصلی اهداف اختصاصی زیر نیز بررسی می‌شوند.

الف- شناسایی و تعیین رابطه بین متغیرهای مستقل (پایگاه اجتماعی- اقتصادی، میزان اعتماد اجتماعی، میزان گرایش‌های مذهبی جمعی، میزان رضایت از زندگی، میزان هم‌نوایی اجتماعی، میزان تحصیلات) جوانان و متغیر وابسته (میزان بیگانگی اجتماعی) آنان.

ب: شناخت تأثیر متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت و وضعیت تأهل) بر میزان بیگانگی اجتماعی جوانان.

قسمت اصلی هر پژوهش، مسأله آن پژوهش می‌باشد و این تحقیق بر آن است تا میزان بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی موثر بر آن را بسنجد، لذا سؤالات اصلی و فرعی پژوهش بدین قرارند:

۳- سؤالات اصلی

- ۱- میزان بیگانگی اجتماعی جوانان شهر یاسوج چقدر می‌باشد؟
- ۲- چه عوامل اجتماعی بر بیگانگی اجتماعی جوانان شهر یاسوج مؤثر می‌باشند؟

۴- سؤالات فرعی

- ۳- آیا بین جوانان زن و مرد در زمینه‌ی میزان بیگانگی اجتماعی تفاوت وجود دارد؟
- ۴- آیا بین جوانان مجرد، متأهل، مطلقه و همسر فوتی در زمینه‌ی میزان بیگانگی اجتماعی تفاوت وجود دارد؟

۵- مبانی نظری

۵-۱- نظریه‌های جامعه‌شناسی

از خود بیگانگی معادل (الیناسیون)^۱ به مفهوم انتقال مالکیت شیء یا چیزی منقول و غیر منقول به طور رایگان می‌باشد و الینه به کسی گویند که شعور خود را ازدست داده است. مصدر (Aliener) در لاتین (Alienare) بوده و به معنی فروختن، خیانت کردن، انتقال دادن و از دست دادن عواطف و تعقل است. الینه به مفهوم جن زدگی، جنون و دیوزدگی یا دیوانسری می‌باشد (دریابندری، ۱۳۶۹: ۴۸).

دورکیم از کلمه آنومی مترادف با بیگانگی استفاده می‌کند و به نوعی حالت فکری اطلاق می‌شود که در آن بوسیله اختلالات اجتماعی، فرد دچار نوعی سردرگمی در انتخاب هنجارها، تبعیت از قواعد رفتاری و احساس فتور و پوچی می‌شود (کوزر، ۱۳۷۹: ۱۰۵). هاری آلپرد پژوهشگر دورکیمی چهار کارکرد عمده‌ی دین را از نظر دورکیم به عنوان نیروهای انسجام بخش، حیات بخش، انضباط بخش و خوشبختی بخش طبقه‌بندی کرده است. آیین‌ها و تشریفات مذهبی مردم را گرد هم می‌آورند و به دنبال آن پیوندهای مشترکشان را تصدیق می‌بخشند و در نتیجه همبستگی اجتماعی را تحکیم می‌بخشند. اجرای مراسم مذهبی میراث اجتماعی گروه را بقا می‌کند و ارزش‌های پایدار آن را به نسل‌های آینده انتقال می‌دهد. سرانجام دین یک کارکرد خوشبختی بخش نیز دارد زیرا که با برانگیختن احساس خوشبختی در مؤمنان و احساس اطمینان به حقانیت ضروری جهان با احساس ناکامی و فقدان ایمان در آنها مقابله می‌کند. در وسیع‌ترین سطح دین به عنوان یک نهاد اجتماعی، به گرفتاریهای وجودی انسان معنای خاصی می‌بخشد زیرا فرد را به قلمرو فرافردی ارزش متعالی وابسته می‌سازد (کوزر، ۱۳۷۹: ۱۹۷، به نقل از محمد قنبری).

مرتون نیز همانند دورکیم بیگانگی را مترادف با آنومی در نظر می‌گیرد و بر جنبه‌های اجتماعی آن تأکید می‌کند به نظر مرتون بی‌هنجاری رفتاری منحرفانه است که در عین حال مبین گسیختگی و عدم تجانس بین اهداف فرهنگی و وسایل نهادی شده جهت نیل بدان اهداف است. اشاره به حالتی از رابطه فرد و جامعه دارد که در آن بین فرد و ساخت فرهنگی و ارزشی حاکم تضاد وجود دارد. ضمناً نکته‌ای که در این جا قابل یادآوری است این است که مرتون بر نقش پایگاه اجتماعی-اقتصادی، در بروز آنومی اجتماعی تأکید دارد و می‌گوید مسأله آنومی نه مسأله‌ی فردی بلکه مسأله‌ای ساختاری است و چون ساخت اجتماعی نمی‌تواند راههای یکسانی را برای همه‌ی اعضای جامعه تدارک بیند و چون جامعه از نظر ساخت طبقاتی همگون نیست لذا در چنین وضعیتی طبقات محروم و غیرمرفه جامعه بیش از طبقات دیگر احتمال دچار شدن به حالت آنومی و استفاده از وسائل غیرمشروع برای نیل به اهداف مد نظر را دارند. از بحث مرتون می‌توان چنین استنباط کرد که در طبقات پایین اجتماع احتمال بروز

بیگانگی بیشتر است (کوزر، ۱۳۷۹: ۲۰۲، به نقل از قنبری، م). به عقیده‌ی زیمل جامعه صرفاً تعدادی از افراد است که از طریق کنش متقابل با همدیگر پیوند دارند. برای زیمل روابط اجتماعی مسلط در جوامع مدرن مبادله است. یکی از مهمترین شرایط مبادله اعتماد است و بدون اعتماد عمومی افراد نسبت به همدیگر و جامعه تجزیه می‌گردند (کوزر، ۱۳۷۳: ۲۵۴). به اعتقاد زیمل نبود اعتماد اجتماعی و افزایش فردگرایی، فاصله‌ها و کاهش ارتباطات جمعی را خلق می‌کند. اسلوب زندگی کلان شهری مستقیماً به منزله‌ی اجتماع‌زدایی است که در واقع یکی از اشکالات اساسی اجتماعی شدن است (زیمل، ۱۳۷۲، ۵۲).

۵-۲- نظریه‌های روانشناسی و روانشناسی اجتماعی

فروم یک روان‌شناس با گرایش مارکسیستی است که با روان‌شناختی کردن مفهوم بیگانگی، عمدتاً متوجه از خود بیگانگی، چگونگی انفصال ذهنی و فکری فرد از خویشتن خود تحت تأثیر نیروهای بنیادی جامعه و تجارب زندگی اجتماعی است. تز اصلی فروم بر این اصل استوار است که انسان در حالت طبیعی آزادی را با خود قرین دارد ولی در به کار گیری این آزادی برای شناخت و تصور مفهوم خود کامیاب نبوده است. به نظر فروم از آن جایی که فرد همواره در ایفای نقشهای مقرر، منافع، مصالح و خواسته‌های دیگران را در نظر دارد تبدیل به سازگاری بیگانه از خود گردیده است. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۱۵۵)

سیمن کوشیده است ضمن تعریف مفهومی از بیگانگی و مشخص نمودن سنخ‌شناسی (تیپولوژی) بیگانگی، صور و انواع تظاهرات رفتار بیمارگونه را که به نظر وی از رایج‌ترین صور کاربردی مفهومی واژه در ادبیات جامعه‌شناسی و روان‌شناسی هستند، نشان دهد:

- الف) بی قدرتی^۱:** عبارتست از احتمال یا انتظار متصور از سوی فرد در قبال بی‌تأثیری عمل خود.
- ب) بی معنایی^۲:** این شکل از بیگانگی به نظر سیمن زمانی مشهود است که فرد در باور و عقیده دچار ابهام و تردید است یعنی نمی‌تواند به چیزی اعتقاد داشته باشد.
- ج) بی هنجاری^۳:** به عقیده‌ی سیمن احساس بی‌هنجاری حالتی است که فرد احساس می‌کند که برای رسیدن به هدف‌های ارزنده‌ی خود نیاز به وسایل نامشروع دارد.

1- powerlessness
2- Meaninglessness
3-Normlessness

د) **انزوای اجتماعی**^۱: واقعیتی فکری است که فرد در آن عدم تعلق و وابستگی را با ارزش‌های مرسوم جامعه احساس می‌کند. احساس انزوای اجتماعی از نظر سیمن به مفهوم قابلیت سازگاری فرد با زمینه‌ی اجتماعی خویش نیست بلکه میزان انفکاک فکری فرد از استانداردهای فرهنگی است.

ه) **تنفر یا نفرت از خویشتن**^۲: در وضعیتی که فرد کار می‌کند بدون آنکه به ارزش واقعی کار خود آگاه باشد و از نتایج کار خود متمتع گردد، نتیجه آن زوال و از دست رفتن مفهوم واقعی کار و آغاز نفی خود و تولید است در چنین وضعیتی فرد از شانس و خدمت لازم برای تولید و خلق محصولی که او را راضی و خرسند سازد برخوردار نیست و به نوعی احساس انزجار از روابط اجتماعی تولیدی گرفتار است.

و) **خود غریبی**^۳: به معنای غربت از خویشتن است. فروم در کتاب جامعه‌ی سالم می‌نویسد: "منظور از خودبیگانگی شیوه‌ای تجربی است که طی آن شخص خود را بیگانه احساس می‌کند و می‌توان گفت او نسبت به خود غریبه شده است" (محسنی تبریزی: ۱۵۲-۱۵۱).

فردینبرگ در بررسی علل نارضایتی توجه خود را عمدتاً معطوف به علل نارضایتی نسل جوان می‌کند به نظر وی محیط آموزشی و شرایط تحصیلی فرد، زندگی خانوادگی و ارتباطات فامیلی و نیز کسانی نظیر گروه همسالان که فرد با آنها در کنش متقابل به سر می‌برد از علل و عوامل بروز احساس بیگانگی در نسل جوان است. فردینبرگ در پژوهش‌های تجربی خود در باب علل بیگانگی نسل جوان بر این فرض کل تأکید دارد که فرد نارضایتی خود را به صورت جداگانه و ناسازگارانه در قبال ارزشها، هنجارها و ضوابط اجتماعی نهادینه شده بروز میدهد و در مقابل آن ژستی دفاعی همراه با احساس نفرت، بدبینی، انفعال و بی‌تفاوتی می‌گیرد (فردینبرگ: ۱۹۸۳: ۱۱۶).

اریکسون ضمن اشاره به نقش محیط‌های آموزشی و تربیتی، ایجاد سردرگمی و بحران هویت، ناهمسویی، تضاد بارز میان ارزش‌های تبلیغ شده هدف‌های فرهنگی و انتظارات اجتماعی از یک سو و وسایل راهها و شیوه‌های اتخاذ شده و عرضه شده‌ی جامعه را از دیگر سو مورد تدقیق و تأکید قرار می‌دهد (محسنی تبریزی: ۱۳۸۰: ۱۶۲).

۶- فرضیه‌های تحقیق

۶-۱- فرضیه‌های اصلی

- بین میزان اعتماد اجتماعی جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.

-
- 1-Social Isolation
 - 2- Self-Aversion
 - 3-Self-Estrangement

- بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- بین میزان رضایت از زندگی جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- بین میزان گرایشات جمعی مذهبی جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- بین میزان همنوایی و سازگاری جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.

۶-۲- فرضیه‌های فرعی

- بین جوانان متأهل، مجرد، مطلقه و همسر فوت شده در زمینه‌ی میزان بیگانگی اجتماعی تفاوت وجود دارد.
- بین زنان و مردان جوان در زمینه‌ی میزان بیگانگی اجتماعی تفاوت وجود دارد.

۷- روش‌شناسی

در علوم اجتماعی روشهای متفاوتی برای تحقیقات علمی وجود دارد (مثل تحقیقات آزمایشی- مشاهده‌ی مشارکتی و...)، که هر محقق با توجه به موضوع مورد بررسی و شرایطی که در آن قرار دارد، یک یا چند شیوه را برای بررسی موضوع مورد مطالعه انتخاب می‌کند (بیکر ۱۳۷۷: ۱۹۶). در پژوهش حاضر با توجه به موضوع مورد بررسی و نیز ویژگی جامعه‌ی آماری، روش پژوهش، روش پیمایشی است.

۸- جامعه‌ی پژوهش

جامعه‌ی آماری در این تحقیق عبارتست از کلیه‌ی جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله‌ی شهر یاسوج اعم از مرد و زن که تعدادشان ۲۸۲۵۹ نفر بوده و شامل ۱۲۸۰۳ مرد و ۱۵۴۵۶ زن می‌باشند (این آمار از مرکز بهداشت شهید دامیده شهر یاسوج به دست پژوهشگر رسیده است).

۹- نمونه‌ی پژوهش

از آنجا که تعداد جامعه پژوهش، ۲۸۲۵۹ نفر بوده و جامعه نیز ناهمگون می‌باشد از نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم برای بدست آوردن حجم نمونه استفاده شده است که در ابتدا طبق فرمول یامانی، حجم (اندازه) نمونه را بدست آورده، سپس با استفاده از فاصله‌ی نمونه سهمیه هر محله را به

تناسب جمعیت و جنس به دست آوردیم که اندازه (حجم) نمونه، با استفاده از فرمول یامانی ۳۹۴ نفر به دست آمد و برای سهولت کار و جبران پرسشنامه‌های بی‌پاسخ یا نامطلوب، ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد که تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها بر روی ۳۶۰ پرسشنامه که شامل ۱۷۰ زن و ۱۹۰ مرد است، صورت گرفته است (به علت عدم وضوح در جوابگویی و یا عدم پاسخگویی بعضی از پرسشنامه‌ها) فرمول یامانی: $n = N / (1 + N \cdot (0.05)^2) = 394$

۱۰- واحد تحلیل و ابزار پژوهش

واحد تحلیل در این پژوهش فرد (جوان) می‌باشد که شامل یکی از جنس‌های مرد یا زن می‌باشد و از لحاظ سنی بین ۲۰ تا ۳۰ سال می‌باشد. ابزار پژوهش اصلی در این تحقیق پرسشنامه بوده که از صاحب‌نظر نیز به عنوان ابزار فرعی تحقیق سود جسته شده است.

۱۱- اعتماد (پایایی)

در تحقیقات اجتماعی محقق به کمک یک سری از روش‌ها حدود اعتماد (پایایی) ابزارهای اندازه‌گیری را مشخص میکند (کلانتری، ۱۳۸۷: ۷۳) مهمترین این روش‌ها عبارت از ۱- روش بازآمایی ۲- روش موازی یا آزمون هم‌تا ۳- روش دو نیمه کردن ۴- روش ضریب ثبات ۵- روش کودر ریچارسون ۶- روش آلفای کرونباخ

به این خاطر که روش آلفای کرونباخ از عمومیت بیشتری برخوردار است، در این تحقیق از این روش سود جسته‌ایم. مقدار آلفای به دست آمده متغیر بیگانگی اجتماعی ۰/۷۳، اعتماد اجتماعی ۰/۸۱، گرایش‌های مذهبی جمعی ۰/۷۳، پایگاه اجتماعی- اقتصادی ۰/۷۰، هم‌نوایی ۰/۷۵، احساس ستیز با جامعه ۰/۷۰، و میزان رضایت از زندگی ۰/۷۱ محاسبه شده است.

۱۲- اعتبار (روایی)

در این پژوهش ابزار اندازه‌گیری (پرسش‌نامه) توسط صاحب‌نظران و متخصصان فن ارزیابی و ایرادات آن برطرف و ابزار مورد نظر نهایی شده است.

۱۳- شیوه‌ی تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS نسخه ۱۷ شازنده استفاده شده است که برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد.

۱۴- یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۱: ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و بیگانگی اجتماعی

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی	- ۰/۴۸۳	۰/۰۰۰
پایگاه اجتماعی	۰/۰۳۸	۰/۴۵۳
میزان رضایت از زندگی	- ۰/۲۲۶	۰/۰۰۰
گرایش‌ات مذهبی جمعی	-۰/۳۷	۰/۰۰۰
میزان هم‌نوایی اجتماعی	-۰/۱۰	۰/۰۲
میزان تحصیلات	۰/۰۲	۰/۶۴۰

مقدار همبستگی به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار به میزان ۰/۴۸۳- رابطه‌ی بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان بیگانگی اجتماعی را تأیید می‌کند. همچنین همبستگی محاسبه شده در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد.

مقدار همبستگی حاصله با استفاده از نرم‌افزار به میزان ۰/۰۳۸ و همچنین سطح معنی‌داری به دست آمده یعنی ۰/۴۵۳ (که از ۰/۰۵ بزرگتر است)، رابطه‌ی بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان بیگانگی اجتماعی را رد می‌کند.

مقدار همبستگی به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار به میزان ۰/۲۲۶- رابطه‌ی بین میزان رضایت از زندگی و میزان بیگانگی اجتماعی را تأیید می‌کند.

مقدار همبستگی به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار به میزان ۰/۲۲۶- رابطه‌ی بین میزان گرایش‌ات مذهبی جمعی و میزان بیگانگی اجتماعی را تأیید می‌کند. همچنین همبستگی محاسبه شده در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد (به خاطر آنکه $Sig=0/000$).

مقدار همبستگی به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار به میزان ۰/۱۰- رابطه‌ی بین میزان هم‌نوایی اجتماعی و میزان بیگانگی اجتماعی را تأیید می‌کند.

مقدار همبستگی حاصله با استفاده از نرم‌افزار به میزان ۰/۰۲ و همچنین سطح معنی‌داری به دست آمده یعنی ۰/۶۴ (که از ۰/۰۵ بزرگتر است)، وجود رابطه‌ی بین میزان تحصیلات جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی را رد می‌کند.

جدول شماره ۲: آزمون مقایسه بیگانگی اجتماعی جوانان مجرد، متأهل، مطلقه و همسر فوت‌شده و همچنین جوانان زن و مرد

متغیرهای مستقل	مقدار آزمون T یا F	سطح معنی‌داری
وضعیت تاهل	F=۳/۶۹	۰/۰۲
جنسیت	T= ۰/۰۸۲	۰/۹۷

طبق اطلاعات به دست‌آمده از جدول شماره ۲ می‌بینیم که جنسیت جوانان بر میزان بیگانگی اجتماعی آنان اثری ندارد ولی وضعیت تأهل بر میزان بیگانگی اجتماعی جوانان مؤثر است.

۱۵- نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از تحلیل تک متغیره بدین صورت بود که از مجموع ۳۶۰ نفر از پاسخگویان مورد بررسی در این تحقیق به ترتیب ۲۱/۷ درصد دارای بیگانگی اجتماعی پایین ۴۱/۴ دارای بیگانگی اجتماعی متوسط و ۳۶/۹ درصد دارای بیگانگی اجتماعی بالا بوده‌اند. از همین ۳۶۰ نفر به ترتیب ۳۴/۲ درصد دارای از خود بیگانگی (بیگانگی فردی) پایین، ۴۱/۷ درصد دارای از خود بیگانگی (بیگانگی فردی) متوسط و ۲۴/۲ درصد دارای از خود بیگانگی (بیگانگی فردی) بالا بوده‌اند.

۱۶- نتایج تجربی فرضیه‌های تحقیق

در رابطه با تأثیر متغیرهای مستقل تحقیق بر متغیر بیگانگی اجتماعی نکات زیر به دست آمده است:

- اعتماد اجتماعی به میزان ۰/۴۱- بر بیگانگی اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این است که به ازای هر واحد افزایش در میزان اعتماد اجتماعی ۰/۴۱ از میزان بیگانگی اجتماعی کاسته می‌شود پس هرچه میزان اعتماد اجتماعی جوانان در جامعه پایین باشد میزان بیگانگی اجتماعی در آنها افزایش می‌یابد که این متغیر (اعتماد اجتماعی) در دیگر تحقیقات انجام شده در ایران لحاظ نشده است ولی با نظریه زیمل (زیر بنای مبادله‌ی اجتماعی در جهان نوین، اعتماد اجتماعی است) همخوانی دارد. این نتیجه را این طور می‌توان مورد استدلال قرار داد که از آنجا که در جامعه‌ی نوین امروزی اعتماد در حکم «روغن‌کاری و تسهیل‌کننده‌ی» مبادلات و چفت و بست‌های زیر گروه‌های مختلف اجتماعی مطرح است و شرایط و وضعیت کلی جوانان از جهات گوناگون دارای حساسیت ویژه‌ای است، بنابراین وجود اعتماد اجتماعی در جامعه و جوانان می‌تواند بستری برای مشارکت هر چه بیشتر آنان در فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی و... فراهم کند.

- گرایش‌های مذهبی جمعی به میزان ۰/۳۰- بر بیگانگی اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این است که به ازای هر واحد افزایش در میزان گرایش‌های مذهبی جمعی ۰/۳۰ از میزان بیگانگی اجتماعی کاسته می‌شود. پس بین دو متغیر گرایش‌های مذهبی جمعی و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه‌ی معنی‌دار و معکوسی وجود دارد. یعنی هرچه میزان گرایش‌های مذهبی جوانان در جامعه پایین باشد میزان بیگانگی اجتماعی در آنها افزایش می‌یابد که این نتیجه مؤید نتیجه‌ی تحقیق قصابی و نیز نظریه‌ی

دورکیم است که احتمالاً می‌توان گفت هر چه انسان‌ها از لحاظ درونی تهی شده و اعتقادات درونی آنها تضعیف شود به مشارکت‌ای مذهبی جمعی نیز کمتر تمایل دارند که این امر بیگانگی اجتماعی آنان را به دنبال خواهد داشت.

- رضایت از زندگی به میزان ۰/۱۵- بر بیگانگی اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این است که به ازای هر واحد افزایش در میزان رضایت از زندگی ۰/۱۵ از میزان بیگانگی اجتماعی کاسته می‌شود. پس بین دو متغیر رضایت از زندگی و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه‌ی معنی‌دار و معکوسی وجود دارد یعنی هرچه میزان رضایت از زندگی جوانان در جامعه پایین باشد میزان بیگانگی اجتماعی در آنها افزایش می‌یابد. این نتیجه مؤید تئوری فردینبرگ است ولی با نتایج دیگر تحقیقات انجام شده همخوانی ندارد. از آنجا که رضایت از زندگی یک مفهوم نسبی و تا حدی پیچیده و بیشتر روانشناختی است از طریق تئوری فردینبرگ قابل توجیه است.

- هم‌نوایی اجتماعی به میزان ۰/۲۳- بر بیگانگی اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این است که به ازای هر واحد افزایش در میزان هم‌نوایی اجتماعی ۰/۲۳ از میزان بیگانگی اجتماعی کاسته می‌شود پس بین دو متغیر هم‌نوایی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه‌ی معنی‌دار و معکوسی وجود دارد و هرچه میزان هم‌نوایی اجتماعی جوانان در جامعه پایین باشد میزان بیگانگی اجتماعی در آنها افزایش می‌یابد. این نتیجه با تئورهای مرتون و اریکسون همخوانی دارد. این نتیجه به این صورت قابل توجیه است که هرچه جوانان وجوه اشتراک بیشتری بین خود و اجتماع خود ببینند، بهتر می‌توانند با ارزشها، هنجارها و قوانین اجتماعی جامعه هم‌نوا شوند و این جریان، کاهش بیگانگی اجتماعی در آنان را موجب خواهد شد.

- بین دو متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان بیگانگی اجتماعی جوانان رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. این واقعیت مخالف نتیجه‌ی توماس دورانت و کریستین الوی است.

- بین دو متغیر میزان تحصیلات جوانان و میزان بیگانگی اجتماعی آنها رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد این نتیجه موافق نتیجه‌ی ابراهیمی مقدمیان است.

- بین زنان و مردان مورد بررسی این تحقیق در زمینه‌ی بیگانگی اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

- بین جوانان مجرد، متأهل، مطلقه و همسر فوتیها در زمینه‌ی میزان بیگانگی اجتماعی آنها تفاوت وجود دارد که این میزان در همسر فوت شده‌ها بیشتر از سایرین است که احتمالاً به حساسیت و ظرافت شخصیت جوانان بیوه و این احساس که در زندگی تکیه‌گاهی ندارند، بر می‌گردد. این نتیجه

مخالف نتیجه‌ی ابراهیمی مقدمیان است.

۱۷-ارائه پیشنهادها

۱-۱۷- افزایش اعتماد اجتماعی در جوانان

برای تقویت میزان اعتماد اجتماعی در جوانان لازم است که افراد جامعه و متولیان امور جوانان، به شرکت دادن جوانان در کارهای جمعی در قالب گروه‌ها و تشکل‌های داوطلبانه و غیرداوطلبانه در سایه اطمینان به آنان پرداخته و زمینه‌هایی که شبکه‌ی ارتباطی بین جوانان و جامعه را به صورت سالم برقرار می‌کند، فراهم کنند تا بده و بستان‌های عاطفی میان جوانان و سایر اعضای جامعه صورت گیرد و از این طریق روحیه‌ی همبستگی اجتماعی و اعتماد جوانان در جامعه افزایش یابد.

۲-۱۷- افزایش گرایش‌ات مذهبی جوانان

در خصوص افزایش میزان تمایلات مذهبی جوانان، مسؤولان امور دینی و مذهبی باید چند استراتژی را مد نظر داشته باشند: الف) شفاف نمودن و تفسیر روشن مفاهیم دینی و معارف مذهبی و اسلامی با توجه به مقتضیات زمان و جامعه. ب) تأکید بر مشترکات و برجسته نمودن مفاهیم اساسی دین و زدودن خرافات (نمونه‌ی آن گسترش عرفان‌های نو ظهور و...) با زبانی که متناسب با حال و هوای نسل جوان باشد. ج) اجرای شیوه‌های درست امر به معروف و نهی از منکر در جامعه و عدم اعمال سلیقه‌های شخصی در این امر مهم.

بقیه‌ی پیشنهادات طبق نتایج به دست آمده از پژوهش بدین قرارند:

- ایجاد و تقویت حس مثبت اندیشی و مشارکت اجتماعی جوانان در قالب برگزاری کلاسها و دوره‌های آموزشی توسط روانشناسان اجتماعی و روانکاوان برای کلیه‌ی افراد جامعه، بالاخص خانواده-ها و جوانانی که با بحران هویت و از هم گسیختگی اجتماعی مواجه‌اند. این استراتژی رضایت از زندگی را در جوانان موجب می‌شود که یکی از متغیرهای دخیل در کاهش بیگانگی اجتماعی است.
- آموزش مهارت‌های جامعه‌پذیری، فنون ارتباطات جمعی و مدیریت اضطراب، ناتوانی، یأس و... جوانان، در قالب برگزاری همایش‌ها و کلاس‌های خاص توسط سازمان ملی ورزش - جوانان.
- در نظرگرفتن برنامه‌ها و احداث اماکن ویژه، متناسب با حال و هوای جوانان که بسترساز توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و تبادل فکری آنان است و هم‌نوایی اجتماعی را در آنان موجب می‌شود.

فهرست منابع

- منابع فارسی

- ۱- آبرکرامبی، ن و دیگران، ۱۳۶۷، فرهنگ جامعه شناسی. تهران: انتشارات چاپخش.
- ۲- آرون، ر، ۱۳۶۳، مراحل سیر اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه‌ی پرهام، ب. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۳- ابراهیمی، پ، ۱۳۶۹، نگاهی به مفهوم از خودبیگانگی. مجله آموزش رشد علوم اجتماعی، شماره‌ی ۵
- ۴- ال بیکر، ترز، ۱۳۷۷، نحوه‌ی انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی نائی، ه. تهران: انتشارات روش.
- ۵- انجوی نژاد، ط، ۱۳۷۴، رابطه‌ی بین تیپ شخصیتی و بیگانگی فرهنگی در بین دانش آموزان مقطع متوسطه‌ی شهر تهران. تهران: دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تربیت معلم. (طرح پژوهشی)
- ۶- احمدی، ا.، ۱۳۸۲، روان شناسی نوجوانان و جوانان، شخصیتی، رفتاری، تحصیلی، بزهکاری و اعتیاد، تهران: انتشارات مشعل.
- ۷- پاشا شریفی، ح و شریفی، ن، ۱۳۸۰، روشهای تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات سخن
- ۸- توسلی، غ، ۱۳۸۶، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- ۹- تنهایی، ح.ا.، ۱۳۸۶، نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد: نشر مرندیز
- ۱۰- ریتزر، ج، ۱۳۸۸، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی ثلاثی، م. تهران: انتشارات علمی.
- ۱۱- رفیع پور، ف، ۱۳۸۲، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار
- ۱۲- ساروخانی، ب، ۱۳۷۵، جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات، صدای و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۳- ستوده، ه، ۱۳۸۴، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: انتشارات آوای نور.
- ۱۴- سعیدی حسینی، م.، ۱۳۸۷، جوان و فرار از مذهب، تهران: نشر نویسنده
- ۱۵- شرفی، ر، ۱۳۸۰، جوان و بحران هویت، تهران: انتشارات سروش.
- ۱۶- شریعتی، ع، ۱۳۶۱، انسان بی خود، تهران: نشر قلم.

- ۱۷- شفرز، ب.، ۱۳۸۳، مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه راسخ، ک. تهران: نشر نی.
- ۱۸- علیخانی، ع.، ۱۳۸۳، هویت در ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- ۱۹- عنایت، ح.، ۱۳۵۰، جهانی از خود بیگانه، تهران: انتشارات فرمند.
- ۲۰- کوزرل، ۱۳۸۶، زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه ی ثلاثی، م. تهران: انتشارات علمی.
- ۲۱- گیدنز، آ.، ۱۳۷۸، تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه موفقیان، ن. تهران: نشر نی.
- ۲۲- مساروش، ا.، ۱۳۸۰، نظریه بیگانگی مارکس، ترجمه شمس‌آوری، ح. فیروزمند، ک. تهران: نشر مرکز.
- ۲۳- حسنی تبریزی، ع.، ۱۳۸۰، بررسی مفهوم اعتماد با رویکرد روانشناختی اجتماعی، نمایه‌ی پژوهش، شماره ۱۸.
- ۲۴- میرزایی، خ.، ۱۳۸۸، پژوهش، پژوهشگری و پژوهشنامه نویسی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- ۲۵- میرزایی، خ.، ۱۳۸۷، بررسی مصرف رسانه‌ای و از خود بیگانگی اجتماعی - فرهنگی (طرح پژوهشی).
- ۲۶- ناصری، ز.، ۱۳۸۸، بررسی بیگانگی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان پیام نور واحد محلات (طرح پژوهشی).
- منابع و مآخذ لاتین:

- 27- Merton, R.K. (1957). social Theory and social structure Glecoe.
- 28- Keniston, k. (1968). young radicals: notes on committed youth, new York.
- 29- Hirsch, T. (1969) Causes of delinquency. Berkele: university of californial press.
- 30- Callahan, R. & Logvonda, O., Socialization and Alienation schooling, Cleaning House, v56n9.
- 31- Geshwender james and others (1964) Socialization, alienation and student activism. Youth and society.
- 34- www.bloyfa.com.
- 35- www.sociologyofiran.com/index.php
- 36- www.atiy.ir/indey.asp.